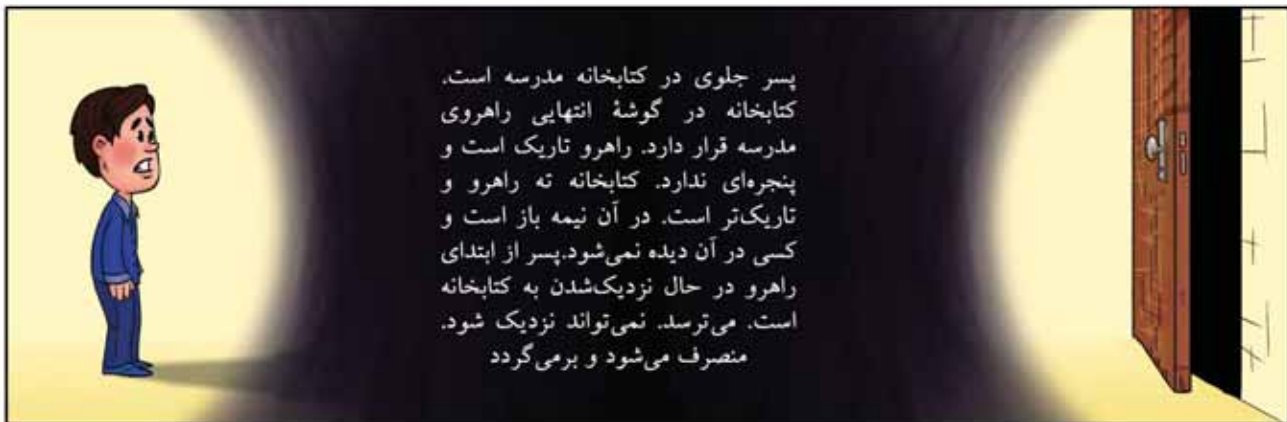




کتابخونهی تاریک و خلوت!

تفاوت فیزیکی خانه و مدرسه در چیست؟ چگونه است که کودک هفت هشت ساله ما در خانه مستقل است و خودش به کارهایش رسیدگی می‌کند، اما از مدرسه و فضای آن بیم دارد؟ کودکی که در تمام مدت بازی در خانه، می‌داند مادر یا بزرگ‌تری هوایش را دارد، آیا در مدرسه نیز این اطمینان خاطر را دارد؟ آیا فضای فیزیکی و معماری مدرسه‌ها با سن دانش‌آموزان تناسب دارد؟



بچه‌های کلاس اولی در کلاس درس نشسته‌اند. شش دسته پنج‌تایی هستند. هر دسته یک کتاب دارد، اما یکی از دسته‌ها کتاب داستان ندارد. بچه‌های آن دسته در حال بگومگو هستند. می‌ترسند و نگرانند معلم دعوی‌شان کند. پارسا دارد گریه می‌کند. معلم بالای سر گروه پارسا ایستاده است و دارد از آن‌ها سوال می‌کند؟



پارسا از کلاس بیرون رفته است. دستشویی‌ها در انتهای حیاط، دور و نامرتب به نظر می‌رسند. پارسا کمی می‌ترسد. از دور دانش‌آموزی بزرگ‌تر را در حال شستن دست‌هایش می‌بیند. به سرعت نزدیک او می‌شود، کنارش می‌ایستد و صورتش را می‌شوید. بعد هم به کلاس برمی‌گردد.



معلم دارد همه بچه‌ها را به کتابخانه می‌برد. بچه‌ها همگی در راهروی منتهی به کتابخانه هستند. پارسا دست در دست معلم دارد. پارسا احساس ترس نمی‌کند. راحت‌تر قدم برمی‌دارد. در کتابخانه کاملاً باز است. فضای داخلش هم روشن است. بچه‌ها به صورت گروهی دور تا دور میزها نشسته‌اند و دارند کتاب‌ها را ورق می‌زنند و تصویرهایشان را به هم نشان می‌دهند. هم معلم و هم کتابدار جلوی چشم بچه‌ها حضور دارند تا بچه‌ها احساس ترس و تنهایی نکنند.



فضای فیزیکی دبستان باید متناسب با روحیه‌ی کودک دبستانی طراحی شود. چنانچه اصول و مبانی معماری مدرسه رعایت شود، نه کتابخانه در گوشه‌ای تاریک قرار می‌گیرد و نه دستشویی‌ها نامتناسب با سن دانش‌آموزان ساخته می‌شوند! بد نیست تجدیدنظری بر معماری مدرسه‌ها داشته‌باشیم. آیا واقعاً اشکال دارد حداقل در کنار هر چند کلاس درس دبستانی، یک روشویی یا حتی دستشویی هم تعبیه‌شود؟